

فضا و ساماندهی نظام فضایی

سکونتگاه‌های روستایی

سیدرامین غفاری

(کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی)

مقدمه

فضا و ساماندهی فضایی از جمله مباحثی است که حدوداً از دهه ۱۹۵۰ وارد ادبیات جغرافیایی جهان گردیده است.

- عدم تعادل در توسعه شهر و روستا و بهره‌مندی از مزایای آن.

- جامع‌نگری به ابعاد مختلف طبیعی، اقتصادی - اجتماعی و کالبدی در حل مسائل و معضلات جوامع انسانی.

- عدم پاسخگویی ساختار و سازمان فضایی قلمروهای جغرافیایی خاص به ویژه در مناطق روستایی کشورهای جهان سوم و عقب‌مانده به معضلات و نیازهای معاصر.

- حصول مقیاسهایی معقول در سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزیهای اقتصادی - اجتماعی.

- توزیع متعادل جمعیت، خدمات و فعالیت با توجه به استعدادهای بالفعل و بالقوه در سطح فضایی همگن.

و... را شاید بتوان از جمله مهم‌ترین دلایل گرایش برنامه‌ریزان و جغرافیدانان به مطالعاتی با ابعاد فضایی دانست. بی‌تردید با گذشت زمان و ظهور ناکامیهای روزافزون تفکرات قطب‌گرایی و برنامه‌ریزی متمرکز در

دستیابی به توسعه‌ای موزون و متعادل، ضرورت جامع‌نگری فضایی بالاخص برای مناطق روستایی کشورهای در حال رشدی مانند ایران را بیش از گذشته آشکار می‌سازد.

در این راستا ساماندهی نظامی فضایی سکونتگاههای روستایی از جمله پروژه‌هایی محسوب می‌شود که در صورت اهتمام جدی به آن و با توجه به یکپارچه‌نگری خاص آن به فضای روستایی و برخورداری از دیدی پهنه‌ای قادر خواهد بود تا راهگشای بسیاری از مسائل و معضلات مناطق روستایی کشورمان باشد.

در این مقاله سعی شده ضمن کنکاشی در مفاهیم فضا، فضای روستایی، سازمان و ساختار فضایی به بیان پیشینه و اهدافی از طرح ساماندهی فضایی سکونتگاه‌های روستایی در ایران و نتایج آن پرداخته شود.

فضا و فضای جغرافیایی

در فرهنگ و بستر در تعریف فضا آمده است: وسعت محدود بین یک یا دو یا سه بعد. و در تعریف دیگری آمده است: گستره سه‌بعدی نامحدودی که در آن اشیایی وجود دارد و رویدادهایی رخ می‌دهد.

فضا (space) از جمله واژگان معمول در علم جغرافیا و علوم دیگری مانند معماری، اقتصاد، جامعه‌شناسی و... می‌باشد. با این حال گاه فضایی معرف روابط تجویدی از آن استنباط می‌شود مانند فضای اقتصادی - فضای فرهنگی - فضای سازمانی و... در این بین فضای جغرافیایی معنا و مفهومی وسیع‌تر و جامع‌تر می‌یابد.

فضا دارای دو برداشت متفاوت است، از یک سو به بخشهای ماوراء جو گفته می‌شود و این برداشت کلاسیک و معمول از آن است و از سوی دیگر به عنوان یک اصطلاح جغرافیایی در چند دهه اخیر به فراوانی در منابع جغرافیایی به چشم می‌خورد. فضا با توجه به مفهوم جدید آن شامل یک محدوده مکانی با تمامی محتویات ملموس و غیرملموس آن می‌باشد. اولین کسی که این اصطلاح را در مباحث مربوط به توسعه اجتماعی، اقتصادی به کار برد، در دهه ۱۹۵۰ فردی به نام پرو (perox) بود، وی فضا را به عنوان بستر توسعه معرفی نمود.

در جغرافیا نیز مفهوم فضا به صورت علمی تقریباً از دهه ۱۹۵۰ با مقاله فردکورت شیفر در مورد (استنناگرایی در جغرافیا) وارد ادبیات جغرافیایی شد.

بنابراین در یک تعریف جامع می‌توان فضا را حجم مکانی و زمانی مجموعه‌ای از تمامی فعالیت‌هایی دانست که انسان در راه تسلط بر طبیعت و برای بقاء خود انجام می‌دهد و به دیگر سخن، منظور فضایی است اقتصادی - اجتماعی منعکس‌کننده تمام هستی جوامع بشری.

فضای جغرافیایی، فضای منحصر به فرد برای فرهنگ خاص می‌باشد، در واقع فضای انسان‌زده‌ای است که تجربیات فرهنگ‌های خاصی را از زندگی به نمایش می‌گذارد.

ابعاد و عناصر ساختاری فضای جغرافیایی

فضای جغرافیایی متشکل از دو بعد مرئی و نامرئی است که بعد مرئی و قابل رؤیت آن همان منظره یا چشم‌انداز (Land Landscape) است.

چشم‌انداز یا بعد مرئی فضا در یک تقسیم‌بندی دیگر به دو مجموعه از مواد و عناصر جاندار (بیولوژیک) و بی‌جان (فیزیولوژیک) قابل تفکیک و تمایز می‌باشد.

مجموعه عناصر جاندار فضای مرئی شامل، انسان، گیاه و حیوانات ساکن بر سطح بیوسفر می‌باشند که قلمرو و آنها از کوچکترین سطح درحد یک ژئوتوپ (Geotope) تا سطح یک منطقه (Zone) متغیر است.

مجموعه عناصر بی‌جان و فیزیولوژیک فضای مرئی شامل: هیدروسفر، لیتوسفر و تمامی آثار و پیامدهای ناشی از دخالت انسان در محیط مسکون و کاربست دست انسان در قلمرو و سکونت خود می‌باشد. (شامل راهها، پلها، شهرها، و روستاها و...)

در بین مجموعه عناصر جاندار یا بیولوژیک، انسان به عنوان اشرف مخلوقات بیشترین تأثیرات فضایی را بر جای می‌نهد و خالق چشم‌اندازهای بدیع و بی‌بدیل می‌گردد.

انسان در تعامل متقابل با طبیعت گاه سازنده و گاه در تقابل با آن مخرب و ویرانگر ظاهر می‌شود. هر چند در این بین نمی‌توان از نقش مؤثر دیگر عناصر جاندار در برخورد با محیط بی‌جان نیز غافل ماند. بعد نامرئی فضا را مجموعه تعاملات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... انسانها با یکدیگر تشکیل می‌دهد که در بستر زمان و متأثر از ایدئولوژی و باورهای هر اجتماعی شکل می‌گیرند.

اجتماع فرآیندهای نامرئی گاه ممکن است به فرمی مرئی و قابل رؤیت در فضا بیانجامد، از آن جمله است تبدیل فرهنگ و تعاملات فرهنگی به آثار فرهنگی یعنی تمدن، که خود بیانگر اندیشه، دانش، اعتقادات و باورهای یک اجتماع انسانی است.

فضای روستایی

فضای روستایی بخشی از فضای جغرافیایی محسوب می‌شود، با تمامی ابعاد مرئی و نامرئی آن، در این فضا طبیعت به عنوان ظرفی است که مظهر آن روستا با تمامی خصیصه‌های اقتصادی - اجتماعی و کالبدی آن می‌باشد.

فضای روستایی در معنای متداول کلمه، فضایی است که در آن دهکده‌ها، اراضی کشاورزی و مراعات متعلق به آنها واقع شده‌اند.

این فضا که ظهور آن به عصر انقلاب نوسنگی می‌رسد با نخستین فعالیت‌های کشاورزی و آمایش فضا به منظور تولید زراعی، از هفت هزار سال پیش از این در مصر و بین‌النهرین آغاز شده است. از آن پس این فضا همواره مرزهای اکومن را، در معنای محدود و آژه دربر می‌گرفته است. چه در گذشته و چه در حال حاضر، فضای روستایی بیش از همه قلمرو فعالیت‌های زراعی و دامداری بوده و این دو مقوله از فعالیت‌ها در مقیاس جهانی، جایی بس عمده را در فضای روستایی اشغال کرده است.

بی‌گمان تأثیرپذیری فرم و شیوه برخورد عناصر متشکل فضای روستایی از جبر جغرافیایی، در جوامع بدوی به مراتب بیشتر از جوامع درحال رشد بوده و به گونه‌ای منفعلانه می‌باشد. حال آنکه ظهور مکتب امکان‌گرایی در جوامع مدرن و مترقی خواه در فضاهای شهری، یا فضاهای روستایی نتیجه‌ای از رشد، توسعه علم و تکنولوژی، غلبه انسان بر محیط و پسروی عوامل و عناصر جبار محیطی و جغرافیایی در برابر قدرت خلاق بشر بوده است.

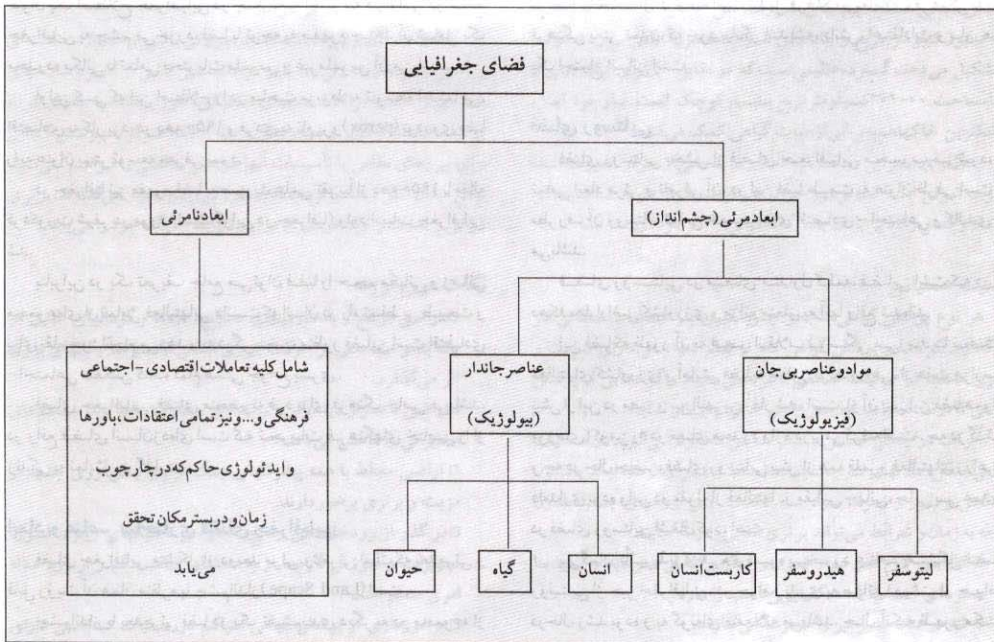
بنابراین بسته به نوع و میزان بهره‌مندی جوامع انسانی از تکنولوژی و دانش فنی، میزان دخل تصرف در عناصر فضایی تغییر می‌یابد، چنانچه جوامع ابتدایی جهان سوم بالاخص روستائینان فقیر موجه کمترین اثرات فضایی می‌باشند، حال آنکه جوامع متمدن و پیشرفته بیشترین اثرات فضایی را بر جای می‌نهند.

شخم و شیار زمین و کشت و زرع از جمله اثرات انسان بر چهره طبیعت، بالاخص در فضای روستایی می‌باشد. به گونه‌ای که این امر به موازات افزایش دانش و بینش زارعین از شدت و حدت بیشتری برخوردار شده و

کشاورزی و نهایتاً روستایی در مناطق و ممالک گوناگون می‌گردد. لازم به ذکر است که فضای روستایی، دست کم در ممالک صنعتی عالم آکنده از نقشهای دیگری است که نقشهای مربوط به تولید کشاورزی در برابر آن به تدریج رنگ می‌بازد و به صورتی فرعی و ثانوی درمی‌آید.

غلبه انسان بر منابع تجدیدپذیر محیط طبیعی افزون می‌گردد. با این حال سطح، نوع و ماهیت فعالیت‌های کشاورزی از کشوری به کشور دیگر و حتی از منطقه‌ای به منطقه دیگر با توجه به تنوع در تکنولوژی به کار گرفته شده، اقلیم، شرایط طبیعی و توانهای بالفعل و بالقوه متفاوت در زمینه عوامل تولید فرق می‌کند. این امر نهایتاً منجر به ظهور مناظر و فضاهای مختلف

نمودار (۱): ابعاد و عناصر متشکله فضای جغرافیایی



واحدت بناها، سطح زیرکشت و نوع محصول، ایجاد راهها و دیگر شبکه‌ها و تبدیل ده به شهر و... از جمله نمونه‌های تغییرات دائمی در اجزاء فضا می‌باشند.

جغرافیدانان سازمان فضایی انسان و روابط اکولوژیکی ما را با محیط در کانون مطالعه خود قرار می‌دهند.

ساختار فضایی، محصول فرآیند فضایی است که در آن فضا به وسیله فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و طبیعی سازمان می‌یابد. این سازمان‌یابی از محل استقرار عناصر و اجزاء داخلی یک پراکندگی فضایی تأثیر می‌پذیرد.

محل استقرار هر جزئی نسبت به هر یک از اجزاء دیگر و جایگاه هر جزئی نسبت به همه اجزاء، با هم و توأم سازمان‌یابی فضایی را شکل می‌دهند. در واقع، ساختار فضایی، از آرایش و سازمان‌یابی پدیده‌ها که

سازمان و ساختار فضایی

سازمان فضایی عبارت است از ترتیب و توزیع نظام یافته واحدهای یک مجموعه در فضا، در راستای عملکردهای عمومی مجموعه.

سازمان فضایی دارای اجزاء و عناصر زیر است:

- الف - (نقاط یا گره‌گاه‌ها) مانند: روستاها، شهرکها، واحی صنعتی، و...
- ب - (شبکه‌ها) مانند: راهها، جاده‌ها، کانال‌ها، خطوط انتقال نیرو و...
- ج - (لکه‌ها یا سطوح) مانند: اراضی زیرکشت، جنگلها، بیابانها، دریاها و...

سازمان فضایی در ابعاد طول و عرض و ارتفاع و زمان و حتی روان (به معنای کیفیت تغییر) دائماً در حال تغییر است. زاد و ولد و مرگ و میر انسانها، نوآوریها و پیدایش فعالیت‌های جدید، ازدیاد خودروها، ویرانی

تاریخچه ساماندهی فضایی سکونتگاه‌های روستایی در ایران

اصطلاح ساماندهی و خصوصاً ساماندهی روستاهای پراکنده، متعاقب مطالعاتی که در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی انجام گردیده مطرح شد، ابتدا این واژه برای ساماندهی شهرستان آبادان (در سال ۱۳۶۱) به کار برده شد و کمی بعد در سایر مناطق روستایی مورد بررسی واقع شده است.

با این حال ریشه تاریخی این گونه پژوهش‌ها را می‌توان در طرح‌های جابه‌جایی، ادغام، نوسازی، اسکان عشایر و یا ایجاد مجتمع‌های مسکونی روستایی جستجو نمود که از پیشینه‌ای حدود ۳۰ سال در ایران برخوردارند. اجرای هر یک از طرح‌های مذکور نتایج اقتصادی - اجتماعی متعددی در پی داشته است که شرح و بیان یکایک آنها از حوصله این نوشتار خارج است. از جمله مطالعاتی که تاکنون در این زمینه و به منظور بهینه‌سازی نحوه ارائه خدمات و توسعه روستایی صورت گرفته است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) طرح حوزه‌های عمران روستایی، پیش از انقلاب اسلامی و در مراحل آغازین برنامه دوم عمرانی کشور (از سال ۱۳۵۳ به بعد).

ب) طرح ایجاد مجتمع‌های مسکونی عشایر، پس از پیروزی انقلاب و از ابتدای برنامه اول اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی (از سال ۱۳۶۸ به بعد).

ج) طرح بازسازی و تجمیع روستاها در مناطق سیل‌زده استان سیستان و بلوچستان در سال (۷۱-۱۳۷۰).

با این حال هیچیک از طرح‌های فوق از جامعیت و یکپارچه‌نگری طرح ساماندهی فضایی برخوردار نبوده و غالباً از یک رویکرد مشخص تبعیت نموده‌اند.

این در حالی است که در طرح ساماندهی با نگرشی سیستمی به روستا و فضای روستایی، تجمیع، ادغام و جابجایی تنها راه و هدف نهایی محسوب نمی‌شود، بلکه می‌تواند به عنوان یکی از رویکردهای چندجانبه آن تلقی گردد.

اهداف ساماندهی فضایی

عمده‌ترین اهداف ساماندهی بالاخص ساماندهی، فضاهای روستایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

الف) تغییر و اصلاح ساختار و سازمان فضایی موجود در قلمرو جغرافیایی یک بخش یا دهستان جهت پاسخگویی به نیازهای ضروری و امروز جوامع روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی.

ب) شناخت و ارزیابی ساختار سلسله مراتبی حاکم در روابط فضایی موجود میان نقاط روستایی و تعیین کانونهای عملکردی برتر و توانمند.

ج) توزیع مجدد و متناسب جمعیت، خدمات و فعالیت با توجه به استعدادها و طبیعی و انسانی موجود در هر یک از حوزه‌های همگن اقتصادی - اجتماعی و کالبدی به منظور کنترل و کاهش روند مهاجرتهای بی‌رویه روستایی.

نتیجه فرآیندهای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی است بوجود می‌آید. گفتنی است که بین فرآیندهای فضایی و ساختار فضایی تفاوتی دیده نمی‌شود. بدین‌سان که فرآیندهای فضایی، یک نوع تحرک و پویایی را در سطح زمین نشان می‌دهد. درحالی که ساختار فضایی، نتیجه آرایش پدیده‌ها در سطح زمین می‌باشد.

در واقع انطباق سازمان فضایی بر محیط فیزیکی، ساختار فضایی خوانده می‌شود. یک ساختار فضایی، معمولاً روابط عمودی سطوح سازمانی فضایی را به صورت ارتباطات منعکس نموده و روابط افقی واحدها را از طریق حوزه‌های نفوذ و قلمروها نشان می‌دهد.

ساماندهی فضایی (سکونتگاه‌های روستایی)

بی‌گمان پیدایش سکونتگاه‌های روستایی، غالباً در قلمرو و فضایی خاصی صورت می‌گیرد که از جنبه‌های زیست‌محیطی مثبتی برخوردار باشند، وجود آب، خاک، پوشش گیاهی، و اقلیم مناسب از جمله عوامل طبیعی این شکل‌گیری و برخورداری از امنیت، مقر مناسب جهت دفاع در برابر مهاجمین، تعلقات قومی و فرهنگی، نوع معیشت و... نیز از جمله عوامل اقتصادی انسانی مؤثر در پیدایش نقاط روستایی در قلمرو فضایی خاصی می‌باشد.

با این حال ممکن است هر یک از عوامل و عناصر فوق‌الذکر اعم از طبیعی یا انسانی در طی زمان و در قلمرو فضایی خاصی دچار تحول و دگرگونی شوند. به گونه‌ای که از نقش و اهمیت یکی به نفع دیگری کاسته شود و یا بروز الزامات جدیدی، اصلاح و سازماندهی مجدد عناصر متشکله فضا را امری اجتناب‌ناپذیر نماید.

بنابراین ساماندهی فضا فراهم آوردن شرایط لازم برای جوابگویی به نیازهای اجتماعی محلی موزائیک‌واری است که توسط فضای طبیعی متفاوت تشکیل یافته است.

اگر فضا را به منزله نظامی تصور کنیم که در آن اجزاء و عناصر مختلف طبیعی و انسانی، اعم از نقاط، خطوط، پهنه‌ها و تعاملات متقابل بین انسانها و بین انسان با محیط، ماهیت وجودی آنرا تشکیل دهد، ساماندهی فضایی را می‌توان برنامه‌ریزی خاصی جهت نظم بخشیدن و سامان دادن به ارتباط و پیوستگی متقابل میان این اجزاء و عناصر دانست، تا بدینوسیله به پویایی و تحولی مثبت دست یافت.

به تعبیر دیگر ساماندهی فضایی سکونتگاه‌های روستایی عبارتست از توزیع متناسب و متعادل فعالیتها، جمعیت و خدمات جهت ایجاد شرایط زیستی و تولیدی مناسب‌تر برای نقاط روستایی و تنظیم مناسب روابط بین این نقاط.

در واقع ساماندهی فضایی سکونتگاه‌های روستایی تلاشی است آگاهانه جهت اعمال نوعی برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و میان‌بخشی در مقیاسی کوچکتر از نواحی جغرافیایی، که غالباً محدوده یک بخش یا دهستان را دربرمی‌گیرد.

دیوان سالاری دولتی، نقش مؤثر در نظارت مستمر و آگاهانه جهت اجرای بهتر نتایج حاصل از مطالعات در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی و کالبدی ایفا نماید. □

فهرست منابع و مآخذ

- آسایش، حسین، کارگاه برنامه‌ریزی روستایی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، سال ۱۳۷۵.
- خانی، فضیله، نگرش فضایی در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۷، سال ۱۳۷۱.
- دولفوس، اولویه، فضای جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، مشهد، نشر نیکا، سال ۱۳۶۹.
- دولفوس، اولویه، تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، مشهد، نشر نیکا، سال ۱۳۷۳.
- رحمانی، بیژن، فرهنگ و اصطلاحات پرگزیده جغرافیایی (انسانی و طبیعی)، تهران، انتشارات علوی، سال ۱۳۷۴.
- شکویی، حسین، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران، انتشارات گیتاشناسی، سال ۱۳۷۵.
- طالب، مهدی، مفهوم و متدولوژی ساماندهی روستاها، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، همدان، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سال ۱۳۷۵.
- معصومی اشکوری، سیدحسن، اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، رشت، سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، سال ۱۳۷۰.
- هاگت، پیتر، جغرافیا ترکیبی نو (جلد دوم)، ترجمه دکتر شاپور گوردزی نژاد، تهران، انتشارات سمت، سال ۱۳۷۵.

د) دستیابی به آستانه جمعیتی لازم به منظور موفقیت در برنامه‌ریزی و ارائه خدمات لازم به کمک مطالعه و بررسی وضعیت نقاط روستایی از نظر ادغام، تجمع و جابه‌جایی در سطح حوزه‌های همگن فضایی.

ه) ارتقاء کمی و کیفی سطوح زندگی روستائیان و بهره‌برداری بهینه از منابع محیطی از طریق توزیع متعادل جمعیت، فعالیت و خدمات در سطح مناطق روستایی و سرانجام دستیابی به توسعه‌ای پایدار.

و) ایجاد مناسب‌تر شرایط زیستی و تولیدی برای نقاط روستایی و تنظیم مناسب روابط بین این نقاط.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در یک نگرش فضایی به روستا مناطق روستایی با تمامی ابعاد و عناصر سازمانی و روابط ساختاری آن، دستیابی به توسعه‌ای پایدار در چارچوب فضای ملی امری بعید نمی‌نماید. در این راستا می‌توان امیدوار بود که طرح ساماندهی نظامی، فضایی سکونتگاه‌های روستایی به عنوان طرحی فرودست طرح‌های جامع شهرستان و فرادست سایر طرح‌های عمرانی کوچک مقیاسی، همچون طرح‌های هادی، بهسازی، تجمع، ادغام و... بتواند با برقراری ارتباطی منطقی بین تمامی اجزاء و عناصر متشکله فضای جغرافیایی و ضمن بروز تحول مثبت در ساختار و سازمان فضایی حاکم متناسب با نیازهای زمان، زمینه‌های توسعه و عمران روستایی را بیش از پیش فراهم سازد.

سرانجام به اعتقاد نگارنده توجه به راهکارهایی چند از جمله موارد زیر می‌تواند موجبات تسریع و تسهیل در دستیابی به نتیجه‌ای مطلوب و عینیت بخشیدن به اهداف مستتر در طرح‌های ساماندهی نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی را فراهم سازد.

الف) اولویت‌بندی تهیه طرح‌های ساماندهی در پهنه‌های جغرافیایی (بخشها یا دهستانها) با لحاظ شاخصهای مختلف زیست محیطی.

ب) ارجاع کار تحقیق و تدوین به مشاورین و متخصصین کارآزموده و مجرب در قلمرو مسائل فضایی و برخوردار از دیدی جامع‌نگر و روستاشناس.

ج) رعایت نگرش برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و اعتقاد به اصل برنامه‌ریزی با مردم و نه برای مردم در تمامی مراحل تصمیم‌گیری، مطالعه، نظارت، اجرا و ارزیابی.

د) حضور مستمر و فعالانه کارشناسان و مسئولین دستگاه‌های دولتی مرتبط در تمامی جلسات کارشناسی و تصویب طرح‌های مذکور.

ه) تعهد مسئولین دستگاه‌های اجرایی در عمل به تمامی اسناد و مصوبات مربوط به طرح‌های ساماندهی در قلمرو وظایف قانونی خود.

و) تشکیل سازمانی فرابخشی که ضمن تلفیق مدیریت نسبی یا اورگانیک حاکم در جوامع روستایی با نظام مدیریتی بروکراتیک یا